



مجید یوسفی
فعال سیاسی، فرهنگی، اجتماعی
کارشناس فضای مجازی
۰۸ مردادماه ۱۴۰۰

طرح مجلس از صیانت کمک است یا ایجاد محدودیت ؟

شهروندان این روزهای داغ تابستان ۱۴۰۰ را اما درحالی سپری کرده و می‌کنند که گاه با مصایب ناشی از بی‌آبی سر و کله می‌زنند، گاه درگیر مشکلات خاموشی و قطع برق هستند و در این گیر و دار، هر از گاه خبری هم از احتمال فیلترینگ این و آن شبکه اجتماعی محبوب‌شان را می‌شنوند و صحبت و سخنی درخصوص قانون‌نویسی مجلس یازدهمی‌ها در این خصوص؛ قانونی که البته بهتر و صحیح‌تر است همان «طرح» بخوانیمش. طرح صیانت از حقوق کاربران و خدمات پایه کاربردی فضای مجازی.

سوالی ذهنمان را درگیر کرده و آن این است که چرا در شرایطی که مردم با مشکلات جدی اقتصادی مواجه هستند چه ضرورتی دارد که طرحی برای محدودسازی فضای مجازی تعبیه شود ؟

طرحی که متأسفانه بسیاری از خواص آنرا مطالعه نکرده و از درون مایه آن اطلاعی ندارند و شده اند دایه بهتر از مادر و از سوی دیگر عامه مردم که دست و پا شکسته از فضاهای اجتماعی فقط بخشی از جملات آنرا می‌شنوند و برانگیخته می‌شوند جملاتی مثل مسدودسازی شبکه‌های اجتماعی خارجی، مجازات استفاده کنندگان از فیلترشکن و خلاصه حاکم کردن یک فضای پلیسی بر فضای مجازی (البته این در حالی است که وجود چنین طرحی که در بین مردم می‌چرخد با مفاد مذکور در دستور کار مجلس کذب محض می باشد. حقیقت ماجرا آن است که این طرح مربوط به دو سال قبل بوده که با روی کار آمدن مجلس یازدهم، ماهیت آن از اساس تغییر کرد به طوری که هیچ شباهتی به طرح قبلی ندارد)، متأسفانه این روش اقدامات در این دولت بی متخصص بدون بستر سازی مناسب ناآشنا نیست همانطور که با فیلترینگ تلگرام در سال ۹۶ و مسئله بنزین در سال ۹۸ را در سوابق خود ثبت کرده و دود آن فقط به چشم مردم رفت. **(جهت مطالعه فایل طرح ضمیمه می باشد)**

طرحی که در حال حاضر در دستور کار مجلس شورای اسلامی قرار دارد «حمایت از حقوق کاربران و خدمات پایه کاربردی فضای مجازی» است. تدوین اولیه این طرح حاصل ساعت‌ها بررسی تیم‌های کارشناسی و فنی است که مدیران شرکت‌های دانش بنیان حوزه ICT و مجموعه‌ای از فعالان این عرصه در آن مشارکت داشتند. پس از تدوین اولیه، در کمیسیون فرهنگی جلسات فشرده و متعددی با حضور کارشناسان و نمایندگان نهادهای مختلف از جمله وزارت ارتباطات، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت اطلاعات، صداوسیما و... تشکیل شد و همفکری خوبی صورت گرفت. در مرحله بعد این طرح به مرکز پژوهش‌ها رفت در آنجا با تشکیل کارگروه‌های تخصصی اقتصادی، قضایی، فنی و... دوباره بند بند طرح مورد بررسی قرار گرفت که در این مرحله نیز نمایندگان دستگاه‌های پیش‌گفته حضور داشتند.

با وجود این پیچیدگی‌ها و وصله پینه کردن قوانین فعلی به نظر می‌رسد طرح صیانت از فضای مجازی از دو دیدگاه قابل نقد است. **یکی از دیدگاه حقوق بنیادین کاربران اینترنت و شهروندان اینترنتی و دیگری از دیدگاه مسایل فنی برقراری پدیده‌ای به نام اینترنت ملی** که دومی در حوصله این یادداشت نیست و حیثاً کارشناسان فنی باید درباره آن اظهارنظر کنند که آیا اینترنت ملی هم مانند واکسن ملی یا خودروی ملی قابلیت اجرایی دارد یا تنها در حد پروژه‌هایی که برای برخی افراد نان دارد ولی برای مردم و کشور آبی ندارد، تلقی می‌شود. به همین جهت در یادداشت حاضر به بحث اول یعنی نقاط تلاقی یا تهدید حقوق بنیادین شهروندان اینترنتی با طرح صیانت از فضای مجازی به صورت خلاصه پرداخته می‌شود و سعی می‌کنم مختصری هم به بیان نقاط قوت و ضعف این طرح اشاراتی داشته باشم.

تردیدی نیست که اینترنت و فضای مجازی مهم‌ترین عامل تاثیرگذار بر زندگی روزمره و کسب و کار همه مردم ایران است. چرا موضوعی به چنین اهمیت و با این عمق و گستره تاثیرگذاری باید در جمع محدود اعضای یک کمیسیون و دور از چشم مردم و رسانه‌ها و نهادهای مدنی بررسی شود؟ ما به انگیزه مسئولین برای ساماندهی فضای مجازی و نظم‌دهی به این بخش احترام می‌گذاریم و خود را با شما هم‌دل می‌دانیم اما چنین اقدام خطیری مستلزم دوراندیشی و واقع‌بینی بیشتری است و گر نه این طرح نیز به سرنوشت ده‌ها طرح دیگری دچار خواهد شد، که به دلیل امتناع جامعه عملا از حیز انتفاع ساقط شده و تنها به بخشی از تاریخ قانون‌گذاری کشور بدل شده‌اند.

صیانت یعنی نگهداری و حفظ حقوق کاربران که در قانون معنا و مفهوم آن پیش‌بینی شده است. منظور از کاربران مشترکان و مردم هستند. مسئولین اگر به دنبال حفظ حقوق مردم هستند باید دغدغه‌های آنها را لحاظ کنند زیرا مردم بهترین تمیز دهندگان در استفاده از فضای مجازی هستند.

ما با نظام دموکراسی مواجه هستیم و مسئولین باید مرجع تشخیص و مشورت قرار دهند. دغدغه مقام معظم رهبری برای ما در فضای مجازی اصل و خط قرمز است، ایشان فرمودند فضای مجازی هم فرصت و هم تهدید است؛ ما چرا از این فرصت استفاده نکنیم و به صورت سهوی با آن برخورد کنیم؟

در نامه‌ای که محمدجواد آذری جهرمی به رئیس مجلس نوشته است، به اهداف طرح «قانون حمایت از حقوق کاربران و خدمات پایه کاربردی فضای مجازی» اشاره شده که برای حل مشکلاتی مانند نابسامانی فضای مجازی با وجود مطالبه صریح مقام معظم رهبری، عدم صیانت از حیثیت شهروندان و فقدان حمایت لازم از حقوق و آزادی‌های مشروع فعالان فضای مجازی، فقدان پشتوانه قانونی مصوبات شورای عالی فضای مجازی به منظور مواجهه قضائی با هرگونه قصور یا تقصیر در ایفای مسئولیت‌های مدیران دستگاه‌های اجرائی، ارائه‌دهندگان خدمات کاربران، نبود حمایت‌های اجرائی از محتوا و خدمات پایه کاربردی فضای مجازی و لزوم التزامبخشی، ساماندهی و شفاف‌سازی این فضا و... در نظر گرفته شده است. محمدجواد آذری جهرمی در نامه خود به رئیس مجلس تأکید کرده که درخصوص همه این مشکلات بین کارشناسان و ذی‌نفعان دغدغه‌مندی وجود دارد؛ اما به باور وزیر ارتباطات طرح پیشنهادی مجلس به نحوی است که خود معضلی جدید در اعتمادسازی به نظام حکمرانی فضای مجازی کشور را به دنبال خواهد داشت و در مواردی می‌تواند معضلات اجتماعی، مدیریتی و حقوقی جدیدی ایجاد کند.

فضای مجازی فقط بحث سرگرمی نیست؛ کم نیستند افرادی که خرج زندگی‌شان را از کسب و کار اینترنتی در شبکه‌های اجتماعی مجازی به دست می‌آورند. فیلتر و مسدود شدن بی‌برنامه و بی‌جایگزین شبکه‌های اجتماعی آنها را حتی در تأمین هزینه زندگی‌شان دچار مشکل می‌کند. کشورهای دیگر هم قوانین مختص خود را در فضای مجازی دارند، اما **جایگزین مناسب هم با تکیه بر علم بومی** برای مسدودیت شبکه‌های اجتماعی تدبیر کرده‌اند. بهارستان‌نشینان می‌دانند با گرفتن اینترنت از مردم از یک سو با چه واکنش‌هایی از طرف مردم مواجه خواهند شد و از سوی دیگر همان‌گونه که در نامه وزیر ارتباطات به رئیس مجلس قید شده، معضلی جدید در اعتمادسازی به نظام حکمرانی فضای مجازی کشور ایجاد خواهد شد. این نمایندگان مدعی انقلابی‌گری در مجلس متأسفانه تصمیم گرفتند به جای در کنار مردم بودن از ایجاد رانتی پرسود برای عده‌ای خاص با نادیده گرفتن حق شهروندان و امنیت آنها در فضای مجازی حمایت کنند.

واقعیت این است که طرح صیانت می‌گوید هر محتوایی که روی شبکه اینترنت جهانی قرار می‌گیرد چه در داخل کشور و چه در خارج کشور تهیه شده باشد باید از یک شورای خاص، مجوز فعالیت بگیرد. مثلاً اینستاگرام به عنوان یک محتوا/ بستر یا تلگرام یا هر پیام‌رسان یا اپلیکیشنی یا سایتهای خارجی باید از این شورای خاص مجوز فعالیت بگیرند. بدیهی است اینترنت به عنوان یک شبکه جهانی، با قوانین داخلی یک کشور مانند ایران اداره نمی‌شود و تجربه نشان می‌دهد شبکه‌های بین‌المللی برای گرفتن مجوز تمایلی به مراجعه به شورای داخلی یک کشور ندارند. در نتیجه به صورت قانونی و طبق این طرح، همه محتویات، شبکه‌ها، پیام‌رسانها، اپ‌ها و حتی سایتهایی مانند گوگل یا خدمات پست الکترونیک وابسته به این سایتهای

مانند جیمیل و نظایر آن به صورت قانونی قابل فیلتر خواهد بود. لازم به ذکر است به خودی خود این تلقی که هر کسی هر جایی خواست کاری انجام بدهد باید از دولت مجوز بگیرد، باعث محدود شدن فعالیتها یا دست کم حق بر دسترسی به محتویات آزاد اینترنت می شود.

نکته بعد درباره محتویات یا شبکه ها و پیامرسانهای «اثرگذار» است که عینا واژه «اثرگذار» بارها در این مصوبه ذکر شده است. اثرگذار به زبان ساده یعنی اشخاص زیادی مشتری این محتویات یا سایت یا اپ باشند. در طرح از محدوده ۱۰۰ هزار نفری اشخاص عضو یا استفاده کننده محتوا به عنوان شاخص اثرگذاری نام برده شده است ولی در کل این که چه محتوایی اثرگذار است و چه محتوایی نیست، به تشخیص شورای مزبور گذاشته شده است. در بخشی از طرح می خوانیم: فعالیت خدمات پایه کاربردی خارجی اثرگذار مستلزم معرفی نماینده قانونی و پذیرش تعهدات ابلاغی کمیسیون میباشد. اینگونه قانون نویسی مستقیما ایجاد انحصار در فعالیتها می کند که به نظر می رسد دغدغه شبکه‌وندان در محدودسازی اینترنت به بهانه «اثرگذار بودن بخشی از محتویات آن و نداشتن مجوز فعالیت»، بجا و قابل اعتناست.

نکته سوم درباره امکان از بین رفتن حریم خصوصی کاربران است. به نظر می رسد این دغدغه شهروندان اینترنتی هم در طرح صیانت از فضای مجازی بی راه و اشتباه نیست چون در ماده ۲۵ از فصل پنجم طرح عنوان شده که باید «احراز هویت معتبر کاربران» انجام گیرد. به بیان دیگر هر کاربر اینترنتی باید دارای IP قابل ردیابی منحصر به فردی باشد که کلیه فعالیت های این IP از سوی دستگاه های دولتی قابل رصد و پیگیری باشد. بدیهی است در دنیای اینترنت که هر کاربری تنها با اتصال به اینترنت دارای حق استفاده از فضای مجازی می شود، منوط و مشروط کردن فعالیت در اینترنت به احراز هویت معتبر، گونه ای محدودیت قابل انتقاد است. وضعیت کنونی مدیریت اینترنت در کشور هم می گوید اگر شما می خواهید از برخی اقدامات و خدمات در فضای اینترنت بهره مند شوید باید احراز هویت معتبر شوید مانند خدماتی که سامانه ثنا (قوه قضاییه) ارائه می کند و استفاده از این سامانه -به درستی- مشروط به احراز هویت معتبر کاربر شده است ولی نه این که شما حق ندارید به اینترنت وصل شوید مگر اینکه احراز هویت معتبر شما از سوی یک دستگاه دولتی صورت و مورد تایید قرار گیرد. نمونه این روش را می توان در برهه هایی از زمان در کافی نت ها دید که امکان استفاده از اینترنت برای مشتری موجود نبود مگر آنکه صاحب کافی نت، کارت ملی شما را می دید و با کد ملی شما، امکان می داد پشت میز بنشینید و مثلا صفحه گوگل را باز کنید.

نکته چهارم به مساله حق آزادی انتخاب شبکه‌وندان برای بهره برداری از برنامه ها و محتویات اینترنتی باز می گردد. مساله بسیار مهمی که تجربیات تاریخی تلخی را شهروندان درباره محدودسازی حق انتخاب بین خدمات و کالاها توسط دولت از سر گذرانده اند. نمونه عینی این محدودسازی حق انتخاب را می توان در صنعت خودروسازی یا در صدا و سیما دید. زمانی که دولت (به مفهوم عام آن) با تصویب مقررات یا قوانینی مانند افزایش تعرفه گمرکی واردات خودرو یا برخی تفاسیر رسمی از اصول قانون اساسی، شهروندان را ملزم می کند فقط از شبکه های صدا و سیما استفاده کنند و برای واردات و استفاده از تجهیزات دریافت امواج سایر شبکه های برون مرزی محدودیت و بعضا مجازات وضع می کند، همگان شاهد صحنه های عجیب و غیرقابل باوری از جمله استفاده از نیروهای چتر باز و متخصص راپل برای کندن دیش های ماهواره از در و دیوار خانه ها می شوند یا درباره انحصار در تولید و واردات خودرو در داخل، عرضه خودروهای بی کیفیت و بسیار گران در کنار ایجاد نارضایتی عمومی، باعث افزایش تصادفات در جاده ها و تلفات بسیار عظیم نیروی انسانی می شود که سالیان سال است ایرانیان از آن رنج می برند. در صورتی که این تجربیات را بارها شهروندان از سر گذرانده اند چطور می توان انتظار داشت با طرح صیانت از فضای مجازی و دستور به اخذ مجوز محتویات اینترنتی، حق بر انتخاب شهروندان برای استفاده از محتویات زیر سوال نرود. کافی است تصور کنیم دسترسی شهروندان به همه پیامرسانهای اینترنتی جهانی از جمله واتس اپ، تلگرام، اینستاگرام، توییتر، لینکدین، تم، تم، بامبل، کلاب هاوس، گودر، گوگل پلاس و... از بین برود و فقط شهروندان حق انتخاب استفاده از بین چند پیامرسان داخلی مانند سروش و بیسفون و بله داشته باشند. به بیان دیگر از بین بردن حق انتخاب آزادانه استفاده از محتویات و ابزارهای اینترنتی همان مشکلی را به وجود می آورد که محدود کردن حق انتخاب خرید خودروهای معتبر جهانی و قانون ممنوعیت بکارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره

به وجود آورد. جالب اینجاست در بند ۱۷ از ماده ۴ این طرح عنوان شده تنظیم ضوابط عرضه و استفاده از ابزارهای دسترسی بدون پالایش (مانند فیلترشکن و vpn) - پراگماتر از متن قانون است- بر عهده کمیسیون مزبور قرار گرفته. یعنی این مصوبه قبول دارد که می توان فیلترشکن و vpn در اختیار برخی کاربران قرار گیرد ولی اینکه چه کاربرانی و با چه شرایطی این دسترسیها را داشته باشند، کمیسیون مشخص می کند. پس نمی توان از انتظار دور داشت که مانند بقیه انحصارگرایی های دولتی، خرید و فروش وی.پی.ان قاچاق و غیرقانونی و فیلترشکن ها در بازار سیاه رونق بگیرد.

در حال حاضر صدها هزار کسب و کار اینترنتی بر پایه سایتها و پیامرسانها و شبکه های اجتماعی مجازی در کشور در حال فعالیت هستند. از شیر مرغ تا جان آدمیزاد در این شبکه ها مورد داد و ستد و موضوع فعالیت اقتصادی قرار می گیرد که یکی از نگرانی های به حق شبکه وندان، محدود شدن کسب و کارهای اینترنتی با اجرای طرح ملی صیانت از فضای مجازی است. زیرا مشخص است در صورتی که شبکه های باکیفیت ارتباطی جهانی مانند اینستاگرام برای عموم مردم مسدود شده و شبکه های اجتماعی ضعیف، بی کیفیت و غیرایمن داخلی جایگزین آنها شوند این کسب و کارها که بعضا دارای مشتریان ثابتی شده اند چقدر آسیب خواهد دید. نمونه تاریخی این آسیب اقتصادی را می توان در دی ۱۳۹۶ مشاهده کرد که منجر به فیلترینگ شبکه اجتماعی تلگرام شده و در نهایت کسب و کارهای خرد بسیاری را از رونق انداخت و تا زمانی که این کسب و کارها به سمت شبکه دیگری از جمله اینستاگرام بروند چه میزان ضربه اقتصادی تحمل کردند. لذا به نظر می رسد در این باره هم نگرانی از تبعات اقتصادی طرح صیانت از شبکه های اجتماعی چندان بی منطق نباشد.

درباره سایر دغدغه های فرعی از جمله حق بر ناشناس ماندن در فضای مجازی، حق بر اعتراض (صنفی-اجتماعی-سیاسی و...) و حق بر استفاده تفریحی از فضای مجازی هم سخن زیادی برای گفتن نمی ماند چون در مقایسه با دغدغه های اصلی و جدی کاربران در مقابل طرح صیانت از فضای مجازی، اینگونه دغدغه های فرعی شکل و ظاهر لاکچری و فوق برنامه دارند.

از سوی دیگر این طرح به مسایل و موضوعات مالی جدیدی می پردازد که به نظر می رسد زمینه دست اندازی برخی اشخاص به بیت المال و حتی اجحاف در حق کاربران اینترنت را فراهم سازد. این که تعرفه گذاری دسترسی به خدمات اینترنتی تغییر مرجع پیدا کند یا دولت مکلف به پرداخت وجوهی به برخی از محتواسازان به صورت قانونی باشد، دغدغه مضاعفی را برای تحمیل هزینه های غیرضروری که منجر به نتیجه کارامدی نخواهد شد را برای شهروندان به دنبال دارد. مانند هزینه کرد چند ده میلیاردی برای جستجوگر ملی یا پیامرسانهای داخلی که تا لحظه نگارش این کلمات، دستاورد ملموسی به جز انباشتن جیب عده ای خاص دنبال نداشت.

مزایای طرح «حمایت از حقوق کاربران و خدمات پایه کاربردی فضای مجازی»

- حمایت از تولید محتوا توسط کاربر، از جمله نقاط قوت طرح است که موجب اشتغال زایی نیز خواهد شد. در حال حاضر کاربری که محتوایی را تولید و در فضای مجازی منتشر می کند، در ازای این فعالیت درآمدی ندارد. در این طرح پیش بینی شده تولید کنندگان محتوا سهمی از درآمد اینترنت را به عنوان حق السهم تولید ترافیک دریافت کنند.
- الزام ارائه دهندگان خدمات از جمله پیام رسان ها به صیانت از داده های کاربران، از مزایای دیگر طرح مزبور است. در حال حاضر ارائه دهندگان خدمات تعهد و مسئولیتی در قبال حفاظت از محتوای کاربران ندارند؛ از این رو اگر داده های کاربر به هر دلیل حذف شود، کسی پاسخگویی او نخواهد بود. در این طرح ارائه دهندگان خدمات ملزم شده اند، جهت صیانت از محتوای کاربران تدابیر لازم را بیندیشند. همچنین هرگونه دسترسی غیرمجاز به داده های کاربران و نقض حریم خصوصی آنان ممنوع اعلام شده و در این زمینه جرم انگاری نیز صورت گرفته است یعنی متخلفان به مجازات های سنگینی محکوم می شوند.

- برخلاف جار و جنجال هایی که در روزهای اخیر صورت گرفت، طرح مجلس به هیچ وجه به دنبال بستن شبکه های اجتماعی نیست بلکه می خواهد همچون کشورهای روسیه، آلمان، پاکستان، هندوستان، ترکیه و... شبکه های اجتماعی را ملزم به رعایت حقوق کاربران و حفظ حریم خصوصی آنان کند؛ زیرا روزانه صدها تعرض به حقوق کاربران در شبکه های اجتماعی خارجی صورت می گیرد و چون هیچ یک از آنها پاسخگو نیستند، استیفای حقوق کاربران ممکن نیست. از این رو در طرح مزبور گفته شده تمامی ارائه دهندگان خدمات برای فعالیت در کشور باید نمایندگی حقوقی دائر کنند تا در قبال تعدی به حقوق مردم در پلتفرم خود پاسخگو باشند.
- مزیت دیگر طرح «حمایت از حقوق کاربران»، الزام دستگاه های اجرایی به ارائه اینترنت کودک و نوجوان است. با شیوع بیماری کرونا و مجازی شدن آموزش ها، دسترسی دانش آموزان به محتوای نامناسب دغدغه اصلی خانواده ها و معلمان گردید. این در حالی است که در کشورهای پیشرفته آموزش آنلاین مدارس تنها در بستر اینترنت کودک امکان پذیر است تا دسترسی کودکان به مطالب نامناسب وجود نداشته باشد. در طرح حمایت از حقوق کاربران، دسترسی به سامانه های آموزشی دانش آموزی، تنها در بستر اینترنت کودک امکان پذیر است.
- یکی از مشکلات کشور در حوزه فضای مجازی عدم حمایت واقعی از توانمندی های داخلی این حوزه است. در حال حاضر شرکت های دانش بنیان در زمینه ICT پلتفرم ها و نرم افزارهای با کیفیتی تولید کرده اند که به دلیل عدم حمایت واقعی نتوانسته اند آنگونه که باید و شاید توجه کاربران را به خود جلب کنند؛ در این طرح حمایت از این شرکت ها در دستور کار قرار دارد که معافیت مالیاتی یکی از آنها است.
- پرداخت حق سهم تولید ترافیک به ارائه دهندگان خدمات نیز مزیت دیگر طرح در حمایت از تولیدات بومی است.
- حفاظت از اطلاعات خصوصی و شخصی کاربران، ترویج سواد رسانه، اطلاع رسانی به کاربران درباره حقوق آنان در فضای مجازی و حمایت از تولید و انتشار محتوا مبتنی بر فرهنگ ایرانی-اسلامی، از جمله موارد حمایت طرح مزبور از کاربران است.
- یکی از مزایای مهم طرح، ارائه خدمات دولت الکترونیک است که گام مهمی در توسعه ارتباطات سایبری قلمداد شده و ارتباط مردم با نهادهای دولتی را تا حد زیادی تسهیل می کند

تلاش برای نظم دهی به تنظیم مقررات در فضای مجازی، حمایت از خدمات و کسب و کارهای داخلی، انگیزه صیانت از حقوق کاربران و حریم شخصی آنها و همچنین تلاش برای پیشگیری از تخلفات و کوتاهی ها در حفاظت از داده های خصوصی یا محرمانه از جمله ویژگی های مثبت این طرح است.

اشکالات طرح «حمایت از حقوق کاربران و خدمات پایه کاربردی فضای مجازی»

طرحی با عنوان «حمایت از حقوق کاربران و خدمات پایه کاربردی فضای مجازی» در دستور کار مجلس شورای اسلامی قرار گرفته که علی رغم وجود برخی موارد مثبت، نکات منفی متعددی در آن دیده می شود که مایه نگرانی صنعت فناوری اطلاعات کشور است.

- در ماده نخست این طرح، مفهومی به عنوان «**خدمات پایه کاربردی**» تعریف شده که طبق تعاریف این ماده تقریباً شامل همه خدماتی می شود که کاربرد اینترنت را برای کاربران معنادار می کند. طبق این طرح همه سرویس های مهم از پیام رسان گرفته تا نقشه و از جویس گر گرفته تا میزبانی داده، اعم از داخلی و خارجی، باید مجوز فعالیت در ایران دریافت کنند (مفاد فصل سوم طرح) و متعهد به رعایت انبوهی از تکالیف و الزامات شوند (مفاد فصل پنجم طرح). سرویس دهندگانی که به این الزامات تن ندهند طبق ماده ۲۷ این طرح فیلتر و مسدود

خواهند شد. بسیار بعید است شرکت‌هایی نظیر اینستاگرام، گوگل، لینکدین، واتساپ و بسیاری شرکت‌های خارجی دیگر بپذیرند که در چارچوب این قانون عمل کنند؛ یعنی مثلا به ماده ۲۵ طرح که باید در کمتر از ۱۲ ساعت مصوبات کمیته فیلترینگ را اجرا کنند گردن نهند. نکته عجیب‌تر اینجاست که در صورت اجرای ماده ۲۳ این طرح تقریبا واردات همه انواع گوشی‌های هوشمند، تبلت و کنسول‌های بازی ممنوع خواهد شد. قطعاً این شیوه قانون‌گذاری منطقی و واقع‌بینانه نیست و مغایر راهبرد مقررات‌زدایی نظام است.

- طبق مفاد فصل دوم این طرح، به نهادی به اسم کمیسیون عالی تنظیم مقررات اختیارات بسیار گسترده‌ای حتی در سطح قیمت‌گذاری خدمات و تعیین وضعیت مالکیت و مدیریت شرکت‌ها اعم از داخلی و خارجی داده شده است. سوال اینجاست در حالی که سیاست راهبردی نظام مبتنی بر تسهیل کسب‌وکار و حذف مقررات زائد و دست و پاگیر است، چرا باید چنین سازوکار عریض و طولی ایجاد شود؛ آن هم در حوزه‌ای که نیازمند چابکی و سرعت عمل است؟ وظایف این کمیسیون به قدری گسترده و بعضاً فنی و عملیاتی است که اجرای آنها نیازمند استخدام صدها نفر نیرو و ایجاد سازمانی بزرگ ذیل این کمیسیون است. بی هیچ تردید می‌توان پیش‌بینی کرد این کمیسیون هم به سرنوشت برخی مجموعه‌های دولتی ناکارآمد دیگر دچار خواهد شد که ضمن بزرگ‌تر کردن ساختار دولت و ایجاد هزینه‌های مادی و معنوی برای حاکمیت، موانع جدیدی پیش روی کسب‌وکارهای بخش خصوصی خواهد گذاشت.

- طبق ماده ۷ این طرح، مرزبانی فضای مجازی و دفاع سایبری از کشور به ستاد کل نیروهای مسلح واگذار شده است. ضمن احترام به مجاهدت‌ها و ایثارگری‌های سربازان وطن در حفاظت از تمامیت ارضی کشور، نمی‌توان از بی‌اعتمادی نمایندگان مجلس به سربازان جبهه فناوری که در کسوت مهندسی به مرزبانی دانش در کشور همت گمارده‌اند متاسف نبود. این بی‌اعتمادی تا حدی بوده که این وظیفه به نهادی واگذار شده که فاقد نیروهای تخصصی و مهارت‌های کارشناسی برای انجام این مأموریت خطیر است.

- در فصل چهارم این طرح تمهیداتی برای حمایت از خدمات داخلی پیش‌بینی شده که ناشی از انگیزه مثبت و خیرخواهانه نمایندگان محترم بوده است. اما هیچ رشدی در فضای بسته رخ نخواهد داد و ترجیح می‌دهیم در فضایی باز با سرویس‌های خارجی رقابت کنیم و تردید نداریم که در صورت کاهش مداخلات غیرضروری دولت و ایجاد ثبات سیاسی و اقتصادی، در این رقابت به شیوه‌ای حرفه‌ای و پایدار، پیروز میدان خواهیم بود. همچنین نمی‌توانیم تجربیات شکست‌خورده متعدد در حمایت‌های غیر کارشناسی از خدمات داخلی که جز فساد و رانت و اتلاف بیت‌المال حاصلی نداشته را از خاطر ببریم.

- در ماده ۲۵ تکالیفی برای حمایت از حریم خصوصی کاربران پیش‌بینی شده که در بسیاری موارد تکالیف به‌جا و شایسته‌ای هستند. اما در بندهای ۱۰ تا ۱۳ این ماده شرکت‌های خدمت‌دهنده اعم از داخلی یا خارجی، ملزم به ارائه نامحدود اطلاعات و داده‌های کاربران به نهادهای ذی‌صلاح شده‌اند، بی آنکه مشخص شود این نهادها کدامند و این اطلاعات طبق چه ضوابطی باید ارائه شود. طبیعی است که همواره با حکم قضایی می‌توان به هر اطلاعاتی دسترسی داشت، اما شایسته نیست در طرحی که با عنوان صیانت از حقوق کاربران نام‌گذاری شده چنین الزام مبهم و تفسیرپذیری به قانون بدل شود.

- در فصل ششم این طرح که به مسوولیت‌ها و ضمانت اجراها اشاره شده مجموعه‌ای از مجازات‌ها برای تخلف از ضوابط و الزامات این طرح پیش‌بینی شده که تشخیص آنها به هیاتی مرکب از سه نفر قاضی به انتخاب رئیس قوه قضاییه و دو نفر متخصص فضای مجازی به پیشنهاد شورای عالی فضای مجازی واگذار شده است. این در حالی است که رسیدگی و صدور رای در این موارد که منجر به سلب حقوق قانونی اشخاص و بعضاً مجازات نقدی و حبس می‌شود باید در چارچوب آیین دادرسی و در محاکم قضایی انجام شود. مفاد فصل ششم این طرح به صراحت و در موارد متعدد در تعارض با قواعد قضایی و رویه‌های دادرسی جاری است.

- در ماده ۲۸ این طرح هیاتی برای تجدیدنظر در آرای بدوی شامل دو قاضی دیوان عالی کشور به انتخاب رئیس قوه قضاییه و یک صاحب‌نظر به انتخاب سازمان نظام صنفی رایانه‌ای پیش‌بینی شده است. در کمال احترام، سازمان نظام صنفی رایانه‌ای ترجیح می‌دهد وقتی

که در مراحل مختلف تدوین و بررسی این طرح طرف مشورت نبوده و در کمیسیون‌ها و نهادهای دیگر پیش‌بینی شده در این طرح هیچ نقشی ندارد، در بخش مجازات و داوری هم نقشی نداشته باشد. شایسته نیست نمایندگان صنف، تنها در جایی حاضر باشند که قرار است حکم محکومیت صادر شود.

نتیجه گیری کلی :

با ایجاد محدودیت نه تنها کسب و کارهای اینترنتی و کسب و کارهای کوچک و متوسطی که بر پایه فناوری اطلاعات کار می‌کنند آسیب می‌بینند، بلکه به سایر رشته‌های تجاری و اقتصادی هم آسیب می‌زند. شاهد این موضوع هستیم که کسب و کارهای کوچکی در رشته‌های مختلف به وجود آمده و از ابزار فناوری برای معرفی ظرفیت‌های خود استفاده می‌کنند .

فعالین اقتصادی، تجار، بازرگانان، تولیدکنندگان و صادرکنندگان و همچنین اعضای اتاق بازرگانی در سراسر کشور از این ابزار استفاده می‌کنند تا ظرفیت‌های تولیدی و صادراتی خود را به دنیا معرفی کنند. چرا که ما برخلاف دیگر کشورها ابزار دیگری جز فضای مجازی و حضور در نمایشگاه‌های تجاری نداریم. اگر این محدودیت اعمال شود، دیگر ابزاری وجود نخواهد داشت .

اگر پلتفرم‌های داخلی برای جایگزینی اپلیکیشن‌های کنونی وجود دارد آیا همه خارجی‌ها هم از این پلتفرم‌ها استفاده می‌کنند تا تجار و بازرگانان برای معرفی ظرفیت‌های بتوانند از آن استفاده کنند؟ دست‌اندرکاران این طرح باید پاسخگو باشند آسیب‌های آن باشند. متأسفانه در مساله جایگزینی یک اتفاق مهم حمایت است، در موضوع جایگزینی که اشاره کردید حمایت مناسب صورت نگرفت. ما آن طرف یک چیزی را ممنوع کردیم اما این طرف آن چیزی که باید فعال می‌کردیم، نکردیم و چون این کار نشد، مردم استقبال نکردند. وقتی کاربر از تلگرام با آن کیفیت و سرعت و خدمات به فضایی وارد می‌شود که هنوز نتوانسته به آن قابلیت‌ها دست پیدا کند، طبیعی است که استقبال کاهش پیدا می‌کند، اما اگر حمایت و کیفیت وجود داشته باشد، مردم استقبال خواهند کرد.

نمی‌توان امروز گفت که ما به فناوری اطلاعات و فضای مجازی وابسته نیستیم چون تاثیر آن را در بخش‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور شاهد هستیم. مگر می‌شود ما از اقتصاد دیجیتال صحبت کنیم بدون اینکه با دنیا در ارتباط باشیم؟ برای اقتصاد کشور در حال حاضر رمقی باقی نمانده و مشکلات فراوانی دارد، بخش دیجیتال اقتصاد را با هم با این تصویب حذف می‌کنند. مگر اقتصاد دیجیتال مفهوم و معنای دیگری دارد؟ آیا باید برای هر مسئله‌ای دور خودمان دیوار بکشیم؟ شاهد دیگر این موضوع هم مسئله خودرو است. ما واردات خودرو را به کشور ممنوع کردیم و اجازه دادیم چند خودروساز بی کیفیت‌ترین خودروها را در کشور تولید کنند نتیجه آن را هم شاهد هستیم.

بنده معتقد هستم طرح فعلی دارای اشکالات جدی و مبتنی بر نگرشی است که ناکارآمدی آن اثبات شده و نتیجه‌ای جز کوناه کردن سقف پرواز کسب و کارهای فناورانه ایرانی و ناامیدی شهروندان ندارد. به همین دلیل خواسته ما کنار نهادن این طرح و یا تغییر کامل اساسنامه ای آن با استفاده از نظرات کارشناسی دکترین‌های فناوری است نه افرادی شاخص دور و بر دولت.